

## بیانیه گرایش کمونیسم شورایی در باره‌ی

### فرصتی که از دست رفت

جنبشی که از روزهای انتهای شهریور ۱۴۰۱ با قتل ژینا(مهسا) امینی دختری جوان از سرزمین کردستان به دست مزدوران گشت ارشاد در تهران آغاز شد؛ و با شعار زن زندگی آزادی حرکت سترگی را در پهنای جامعه ایران و نیز در میان ایرانیان خارج از کشور آغاز کرد، تأثیر خود را بر تمام حوزه های کنشگری راست، میانه و چپ جامعه در ایران و در سطح بین المللی از خود باقی گذارد که همچنان ادامه دارد.

همبستگی بی‌سابقه ایرانیان خارج از کشور با جنبش خود انگیخته داخل، تمام محافل و تشکل ها و نیروهای اپوزیسیون خارج را به تحرکی تازه واداشت. در حوزه راست و میانه جریان های لیبرال، پادشاهی خواه و مشروطه طلب و سکولار دموکرات، مجدداً به ایجاد اتحاد ها، ائتلاف ها و نمایشهای رسانه‌ای و دید و بازدید های خصوصی و دیپلماتیک پرداختند و هرچه در توان و توشه خود داشتند به روی دایره ریختند. در این راه البته بنا به رسم معهود خود، از انواع شگردهای به اصطلاح سیاسی همچون دموکرات منشی، مردم دوستی، آزادی خواهی، وعده و وعید و نیز زد و بند ها و دخیل بستن ها به نیروهای خارجی فروگذار نکردند. کار به آن جا کشید که در یکی از این منشور ها منسوب به رضا پهلوی و طایفه سلطنت طلب ها، از پنج محور فعالیت‌های دیپلماتیک خود، چهار محور آن را اساساً بر مبنای جلب کمک و یاری از کشورهای قدر قدرت سرمایه داری اروپا و آمریکا استوار ساختند.

در این فاصله همچنان که در جنبش های عمومی در این روزها شاهد ظرفیت های شگفت انگیز و خلاقیت های غافلگیر کننده و تاکتیک های منعطف آنها بوده ایم، در عرصه جنگ ال‌ترناتیو ها و استراتژی ها که در شکل بیانیه ها و برنامه ها و سخنرانی ها و در نهایت در منشور ها به نمایش می‌گذارند، درست در هنگامی که رضا پهلوی با اعتماد به نفس و لبخندی رضایت بخش، وعده صدور منشور خود را اعلام کرد و قبل از اینکه موفق به سرهم بندی آن شود، منشوری از سوی بیست نهاد صنفی- مدنی مشتمل بر دوازده ماده مطالباتی تحت عنوان منشور مطالبات حداقلی از سوی این نهادها در داخل کشور منتشر گردید. این منشور که به شیوه ای اصیل، منسجم، واقعی و دقیق تنظیم گردیده بود مورد استقبال فوری و گسترده ده ها تشکل صنفی و مدنی و اجتماعی در داخل کشور و ایرانیان خارج قرار گرفت. حتی در برخی از کشورها فدراسیونها و احزاب چپ و کارگری و ترقی خواه اروپایی اختصاصاً پشتیبانی خود را از این منشور اعلام کردند. در عرصه چپ سنتی که دهه هاست دست خود را از عمل انقلابی شسته اند و به صدور اعلامیه ها و تحریم کردن ها و نشسست های بی مایه و بی نتیجه اکتفا کرده اند دو جریان پدیدار گردید. جمعی صرفاً به موضع انفعالی خود ادامه دادند و با مخالفت شرمگینانه و برخی با کمال بی مسئولیتی در صف مخالف منشور قرار گرفتند. جریان دوم با صدور اعلامیه و گفتگوهای رسانه ای و جمع آوری امضاء از منشور دفاع کردند و برگزاری یک همایش عمومی و حمایتی را برای روز ۲۲ آوریل در کلن آلمان تدارک دیده اند که در جای خود ارزنده و مسنولانه است و ما شرکت و همراهی با این همایش را موکداً تایید و توصیه می کنیم.

از سوی دیگر در ادامه فعالیت های رسانه ای و سمینارها و نشسست ها که عمدتاً از سوی جریان های راست و لیبرال انجام شد نشسست هایی توسط عناصر و محفلهای نزدیک به رضا پهلوی در سطح دانشگاه ها و پارلمان ها برگزار گردید. نشسته جورج تاون با شرکت هشت نفر در ۱۰ فوریه ۲۰۲۳ (۲۱ بهمن ۱۴۰۱) برای نخستین بار توافق بر سر تدوین «منشور همبستگی» از سوی رضا پهلوی بیان شد. در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ در همان ماه با حضور برخی از افراد این ائتلاف گفتگوهایی میان آنان و برخی از دیپلمات های اروپایی انجام شد. در هیچ یک از این موارد دعوتی از جریان‌های چپ و شخصیت های مستقل به عمل نیامد. استثناء بر این رویه در روزهای ۲۵ و ۲۶ مارس ۲۰۲۳ کنفرانسی تحت عنوان «گفتمان گذار به مردم سالاری در ایران» با همکاری سه نهاد دانشگاهی، کارآفرینی و حقوق بشری در دانشگاه استنفورد برگزار گردید که رفیق ستار رحمانی از فعالین جنبش معلمان و کارگری از کشور انگلستان در همین راستا از سوی این کنفرانس برای سخنرانی دعوت به عمل آمد که از سوی نامبرده پذیرفته شد و مقدمات کار فراهم گردید. با توجه به جایگاه قابل توجهی که منشور دوازده ماده ای مطالبات حداقلی در داخل و خارج به دست آورده است این نشسست شاید به منظور اثبات گستردگی و اهمیت خود دعوت از یکی از هواداران این منشور را در دستور کار خود قرار داد. اما در آستانه برگزاری کنفرانس رفیق ستار رحمانی با صدور بیانیه ای از حضور در کنفرانس خودداری کردند.

در بیانیه مذکور دو نکته قابل توجه است. نکته اول دلایل شرکت در کنفرانس از سوی رفیق به درستی اعلام گردیده است. این نکات دقیقاً مبتنی بر تجارب کمونیستها در دوره های گوناگون جنبش های کارگری و سوسیالیستی در کشورهای دیگر در خصوص استفاده از کنفرانس ها، پارلمان ها و حتی کابینه های دولتی در شرایط حاکمیت بورژوازی است. البته این شرکت همیشه مشروط بوده و با هدف های مشخص و نوبه نو شونده ای انجام شده است که در اینجا فرصت اشاره به این نمونه های تاریخی نیست. متأسفانه رفیق گرامی بنا به آنچه که خود می گوید به دلیل چیدمان ویژه ای که در سخنرانان کنفرانس مشاهده می کند و این چیدمان را سلطنت طلبانه و وعده شکنانه ارزیابی کرده از شرکت در کنفرانس پرهیز می نماید. مستقل از اینکه دلایل عدم شرکت رفیق ستار رحمانی از چه عوامل نانوشته دیگری تاثیر گرفته است، تا همین جا دلایل ایشان یک فرار به جلو است که از نقطه نظر سبک کار و سیاست کارگری و انقلابی کاملاً غیر منطقی به نظر می رسد. چون در صورتی که چنین چیدمانی عامدانه شکل گرفته باشد ضرورت بالاتر بردن صدای چپ جامعه که خود را در چارچوب منشور ۱۲ ماده ای به نمایش گذارده است از ضرورتی برگشت ناپذیر و قطعی برخوردار می شود که مسئولیت آن مستقیماً بر دوش نام برده قرار می گیرد. بنابراین عدم اجرای مسئولیت از سوی این رفیق به معنای عدم درک مسئولیت انقلابی نسبت به کارگران ایران است. ما از زاویه منافع طبقه کارگر و چپ جامعه ایران به این کنفرانس و یا هر رویداد دیگری نگاه می کنیم و انگیزه ها و دیدگاه ها و عملکردها و ملاحظات چپ سنتی اساساً برای ما پرنسب و مبنا محسوب نمی گردد. در این کنفرانس صدای طبقه کارگر ایران به صورتی رسا مستدل و رسمی می توانست به گوش هزاران تن از شنوندگان و مدعیان و مردم داخل و خارج کشور برسد که متأسفانه با بی مسئولیتی و فقدان اعتماد به نفس و نگرش فرقه گرایانه و محفلی، عقیم گذارده شد.

طبعاً مبارزه ادامه دارد و جنبش کارگری در ایران کماکان گام های خود را به طور اصیل و مستقل از جریانات چپ حاشیه ای بر خواهد داشت. آنچه که در حافظه تاریخی ما می ماند آن فرصت نسبتاً قابل توجهی بود که از دست رفت. آرزو می کنیم در شرایط انقلابی این فرصت ها را هرگز از دست ندهیم و با کمال صلابت و پیگیری از جایگاه منافع تاریخی توده های کارگر و زحمتکش ایران وظایف و مسئولیت های تاریخی خود را به شیوه ای پیگیر، اصولی و مسئولانه به انجام برسانیم.

گرایش کمونیسم شورایی

۲۰۲۳/۰۴/۰۳ برابر ۱۴ فروردین ۱۴۰۲